قونسولگری و اتباع ایران در اسکندریه

فراهانی، میرزا حسین

ز عدل رتبه این صبح دستگاه‏1» 2بالیده‏اش یار شهنشاه» چو ماه آرا قران با مهر انور» ز زر چشمک نهد در بینی در» ستون او که جاه آرای جم شد» زاول یا علی گفت و علم شد» ز زر حمال در وی کهکشان وار» بود در دوش هریک آسمان بار» همای طره‏اش را بال وا شد» بزیرش سایه صعوه هما شد» زهی نقاش این یکتای عالم» بکار رنک روحی جان آدم» زوی امیداری روسفید است» سفیدیش دم صبح امید است» بس است این مدح از آن فردوس آئین-31116 الهی از فلک تا هست بناید» وجود پادشاهی زنتش باد» چو سامان دید باز این چرخ ثالب» بیان از سال سامان گشت طالب» قلم گویا شد و گفت آنچه گوید» از این ابیات در مصراع جوید» بدیع‏4این نور در بارالهی است» گداییهای این در بدر شاهی است» در عالم چون سگ این آستان باش» ز نقص دار در امان باش»

(1)-مساوری 1116 نمیشود

(2)-یک کلمه خوانا نیست و شاید کلمه چهارم هم(ناز)باشد

(3)-فقط یک مصرع است و مصرع دوم ندارد

(4)-بدیع سر آینده مثنوی است که علاوه بر تذکرة القبور(دانشمندان‏ و بزرگان اصفهان)در خزانه عامره و تذکره حزین شرح حال او هست.

فونسولگری و اتباع ایران در اسکندریه مصر از غالب دول در اسکندریه قونسول هست.و قونسول دولت علیه ایران‏ حاجی میرزا حبیب اللّه خان کاشی بود که هذه السنه بجهت کار گذاری جده‏ رفته.و علی الحساب حاجی محمد باقر نام تاجر که سابقا معتبر بوده و حاجی‏ میرزا علی نام ترک که سمت نیابت قونسولگری داشت به امور رعایای ایران‏ رسیدگی میکردند.در اسنکندریه قریب دویست نفر از رعیت ایران هستند که اغلب کاسب و قهوه‏چی و کاروانسرا دارند تاجر آن‏ها کم است.